



ISSN:2588-7033



Madrese-ye āāāā m between Two Powers: Competition between Ministry of Education and Ministry of War for the Administration of Madrese-ye Nmmmm

Hoorieh Saeedi^{a*}

^a Faculty Member, National Library and Archives of Iran

KEYWORDS

Madrese-ye Nezām,
Qajar era, ministry of
war, ministry of
education

Received: 13 September 2022;
Accepted: 07 June 2023

Article type: Research Paper
DOR: 20.1001.1.25887033.1402.6.4.4.6

ABSTRACT

Dar al-Funun was established during the period of Naser al-Din Shah Qajar with the motive of training military forces and was under the Ministry of Education. After a while, independent military schools were established, which focused on the training of the military, with the interaction between the Ministry of War and the Ministry of Education. Gradually, however, this interaction turned into a competition over the administration of these schools. The present descriptive-analytical article that relies on archival records aims to answer the questions of 1- Why and how the conflict between the two Ministries of War and Education for the administration of Madrese-ye Nezām began and what stages it went through. 2- Which institutions or people were the opponents or proponents of this handover and what arguments did they have? 3- What relationship did the change of the supervisory institution on Madrese-ye Nezām have with the political and governmental developments in that era of Iran's history, which includes the end of the Qajar period and the beginning of the Pahlavi period? The results of this research show that besides the major task of Madrese-ye Nezām, which was training military personnel, the strength of the Sardar Sepah as the Minister of War, played the main role in handing over the management of these schools to the Ministry of War.

* Corresponding author.

E-mail address: hooriehsaeidi@yahoo.com

2023 Published by Arak University Press. All rights reserved.





مدرسه نظام بین دو قدرت، رقابت وزارت معارف و وزارت جنگ برای اداره مدرسه نظام از اواسط دوره قاجار تا اوایل دوره پهلوی

حوریه سعیدی الف*

الف عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، hooriehsaeidi@yahoo.com

چکیده	واژگان کلیدی
مدرسه دارالفنون در دوره ناصرالدین شاه قاجار با انگیزه تربیت نیروی نظامی تاسیس یافته و در ذیل وزارت معارف قرار داشت. پس از چندی مدارس مستقل نظامی تاسیس شد که امور آموزشی آن با محوریت تربیت نیروی نظامی با تعامل بین دو وزارت جنگ و وزارت معارف همراه بود. با گذشت زمان این تعامل به یک رقابت بر سر اداره مدارس نظام تبدیل شد. مقاله حاضر بر آن است که با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از اسناد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که: مناقشه دو وزارت جنگ و معارف برای اداره مدرسه نظام چرا و چگونه آغاز شد و چه مراحل را طی نمود؟	مدرسه نظام، دوره قاجار، وزارت جنگ، وزارت معارف
مخالفتان و یا موافقان این واگذاری چه نهادها و یا کسانی بودند و چه استدلالی داشتند؟	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲
تغییر نهاد نظارتی بر مدرسه نظام با تحولات سیاسی و حکومتی در آن دوره از تاریخ ایران که اواخر دوره قاجار و ابتدای دوره پهلوی را شامل می‌شود چه مناسبتی داشت؟	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷
نتایج و دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر وظیفه مدرسه نظام که تربیت کادر نظامی برای اصلاح ساختار ارتش بود، قدرت یافتن شخص سردار سپه در نقش وزیر جنگ، در واگذاری اداره مدرسه نظام به وزارت جنگ نقش اساسی داشت.	

مقدمه

دارالفنون به‌عنوان اولین مدرسه به سبک جدید با هدف تربیت نیروی نظامی برای اصلاح ساختار قشون ایجاد شد (ابتدا ۱۲۶۶ ه.ق، رسماً ۱۲۶۸ ه.ق). با ایجاد مدارس جدید آموزشی در کنار دارالفنون، نهادی آموزشی هم با عنوان مدارس نظامی تاسیس شد. با تقویت وزارت معارف، دامنه توسعه این مدارس نیز به‌مانند دیگر مدرسه‌های جدید آموزشی، در پایتخت و شهرهای بزرگ ادامه یافت. ایجاد و توسعه و اداره همه این مدارس بر عهده وزارت معارف بود. هم‌زمان با رشد کمی و کیفی مدارس نظام و نیز روند توسعه ساختار و تشکیلات وزارت جنگ، اعمال نفوذ در اداره مدارس نظام و در نهایت درخواست واگذاری آن مدارس به وزارت جنگ تقویت شد.

پرسش‌های پژوهش این است که درخواست وزارت جنگ برای اداره مدرسه نظام از چه زمانی آغاز شد؟

انگیزه این خواست چه بود؟ و در نهایت با چه روشی به سرانجام رسیده و نتیجه یا نتایج آن چطور ارزیابی می‌شود؟

از بررسی منابع چنین برمی آید که تاسیس مراکز آموزشی نوین از اواسط دوره قاجار به عنوان یکی از مراحل مدرنیزاسیون مورد توجه قرار گرفت. اصلاحات در ساختار و تشکیلات نظامی نیز از این توجه برکنار نبوده و اقداماتی برای آن انجام شد. این مسئله به ویژه از زمان جنگ های ایران روس، یکی از مهمات مورد توجه حکومت بود. اصلاحات در نهاد نظامی (قشون) در وجوه متفاوتی خود را نشان داد. استخدام مستشاران نظامی، ترجمه و تدوین کتاب های آموزش نظامی، و از شاخص ترین آنها، تاسیس مدارس نظامی برای تربیت نیروهایی بود که بتوانند با علوم نوین نظامی آشنا شوند.

بعد از تاسیس مدارس نظام و توسعه آن، از اواخر دوره قاجار به تدریج روندی آغاز شد که مسئله اداره این نهاد به عنوان معضلی بین دو وزارت معارف و جنگ مطرح شد. این مناقشه و رقابت که با مسائل معمولی اعزام محصل و نیز تعیین ناظم و معلم برای مدرسه آغاز شده بود در نهایت به واگذاری کامل مدارس نظام به وزارت جنگ انجامید.

محور زمانی این پژوهش از اواسط دوره قاجار (حکومت ناصرالدین شاه) آغاز شده و تا ابتدای دوره پهلوی را شامل می شود. روش تحقیق، روش توصیفی تحلیلی است که با استفاده از اسناد و برخی از مقالات نشریات قدیمی (مربوط به دوره مورد نظر) با رویکردی تحلیلی، به بررسی موضوع پرداخته می شود.

در مورد ساختار و تشکیلات نهاد نظامی در ایران بخصوص از دوره قاجار تا پهلوی آثاری وجود دارد (که از برخی از آنها در متن مقاله استفاده شده و بدان استناد شده است) از جمله در حوزه تاریخ آموزش نظامی براساس نسخه های قدیمی، کتاب: «آموزش نظامی در دوره قاجار با تکیه بر متون خطی و سنگی. حوریه سعیدی. ۱۳۹۵. کانی مهر» که به معرفی و دسته بندی موضوعی آثار قدیمی (خطی - سنگی) با محوریت آموزش نظامی دوره قاجار پرداخته است. در مورد اصلاحات در ارتش و مدارس نظامی، کتاب: «سیری در تاریخ ارتش ایران از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰. میرحسین یکرنگیان. ۱۳۸۴. خجسته» و نیز «تاریخ ارتش ایران از هخامنشی تا عصر پهلوی. غلامرضا علی بابایی. ۱۳۸۲. آشیان». و آثار دیگری از همین دست که به تاریخ ارتش از ابتدا تا دوره پهلوی پرداخته است. در مورد مدرسه نظام نیز به لحاظ ارائه آمار مدارس، مقاله نیلوفر کسری در سایت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر وجود دارد؛ ولی در مورد موضوع این مقاله که بررسی اختلاف و مناقشات برای اداره مدرسه نظام، با تکیه بر اسناد است، هیچ پژوهشی تا بحال نشده و از این منظر کاری بدیع است.

کشور پهناور ایران به سبب موقعیت خاص جغرافیایی آن از دیرباز و برای حفظ مرزهای طولانی و ملل تحت حمایت خود و نیز به دلیل آن که اغلب مورد تهاجم و برخورد اقوام مختلف قرار می گرفت؛ نیازمند نیروهایی بود که در هر حالتی به دفاع از آن بپردازند. این نهاد نظامی در طی قرون و با روی کار آمدن حکومت و سلسله های مختلف دگرگون شده و تغییر شکل می یافت. شاکله اصلی این ارتش عموماً از تمام اقوام و ملل داخل در قلمرو حکومت تشکیل می شد.

آموزش افرادی که مدافع مرزها و حکومت های خود و نیز تمامیت ارضی کشور باشند در دوره های متفاوت با شیوه ها و ابزار و آلات مختلف انجام می گرفت که به تناسب قدرت حکومت و توجه به تامین افراد و تجهیزات مورد نیاز، کارآمد و یا گاه ناکارآمد می نمود.

تا دوره صفویه از روش سنتی و مطابق با زمان خود برای آموزش سربازان استفاده می شد. با ورود اروپاییان به ایران که در تلاطم

۱. با وجود آنکه عنوان ارتش اصطلاحی امروزی (معاصر) است ولی برای تقریب به ذهن از این عنوان در جاهایی که مفهوم مورد نظر لازم است استفاده می شود.

رقابت‌های استعماری بین ایشان در استفاده از منابع مشرق زمین بود، هم‌چنین راه‌یافتن سلاح‌های آتشین در جنگ‌ها، نیاز به وجود این ابزار ساخت اروپا و کسانی که توان تامین و آموزش استفاده از آن‌را داشتند احساس می‌شد. این رویکرد جدید، نوعی دگرگونی در شیوه تعلیم و زندگی نظامی را در میان افواج نظامی ایجاد کرد که ساختاری نو با تشکیلاتی متفاوت لازمه توسعه آن بود.

آموزش نوین نظامی

توجه به آموزش نوین نظامی در ایران را می‌توان بعد از جنگ‌های ایران و روس و شکست‌های قشون ایران در برابر ارتش روسیه مشاهده نمود. از زمانی که عباس میرزا تعدادی از محصلان را برای فراگیری علوم نظامی به اروپا فرستاد و علاوه بر آن، در طی روندی که به وقایع و مناسبت‌های بین‌المللی آن دوره بین ایران و کشورهای مداخله‌گر در امور ایران برمی‌گردد؛ استفاده از مأموران و مستشاران نظامی در تربیت نظامی قشون سنتی ایران رایج شد. مسئله آموزش نظامی یکی از امور اصلی مورد توجه صدراعظم‌های ایران از میرزا ابوالقاسم خان فراهانی، حاج میرزا آقاسی و سپس میرزا تقی خان امیرکبیر و نیز میرزا حسین خان سپهسالار بود. امیرکبیر با تاسیس دارالفنون در سال ۱۲۶۶ه. ق (افتتاح رسمی ۱۲۶۸ه. ق)، قدم اساسی در تربیت داخلی نیروی نظامی برداشت. این مدرسه را می‌توان نخستین نهاد آموزشی که برای تعلیم و تربیت نیروی نظامی به سبک جدید ایجاد شد تلقی نمود.^۲

مدرسه‌های نظامی

امیرکبیر بر آن شد تا برای سروسامان دادن به ارتش نابسامانی که بسیار هم دچار تخریب سازمانی و روحیه‌ای شده بود، از ممالکی غیر مطرح در سیاست‌های جهانی که حساسیت برانگیز هم نباشند^۳ استفاده نماید. پس با مطالعه بر روی کشورهای جهان از اتریش درخواست فرستادن مستشار نظامی جهت تعلیمات افواج و قشون کرد و از طرفی هم برای آنکه در آینده، ایران نیازی به مستشاران خارجی نداشته باشد مدرسه‌ای برای تعلیم و تربیت جوانان تأسیس نمود. دارالفنون با چنین انگیزه‌ای ایجاد شد و در ابتدا نیز برای تربیت صاحب‌منصب نظامی ایرانی در نظر گرفته شده بود.

فردون آدمیت در کتاب خود ضمن اشاره به نامه امیرکبیر به ناصرالدین شاه درباره مدرسه دارالفنون، توضیح داده است که فنون نظامی خاص در مدرسه دارالفنون به شاگردان داده می‌شود. وی وعده می‌دهد که پس از چندی، صاحب‌منصبانی لایق برای قشون ایران تربیت خواهد شد (آدمیت، ۱۳۵۵: ۲۹۲).

ورود و خروج مستشاران و معلمان نظامی از کشورهای دیگر در دوره‌های بعد هم چنان ادامه یافت؛ چنان‌که به نقل از روزنامه مریخ که در ادامه روزنامه علمی چاپ و منتشر می‌شد و به اخبار نظامی اختصاص داشت؛ درباره ورود مأموران روسی و اتریشی برای آموزش نظامی در تاریخ ۱۲۹۶ه. ق، چنین آمده: «... ۱۳ نفر صاحب‌منصب که برای معلمی توپخانه و پیاده نظام و قورخانه و موزیک و مشق مخیران که از دولت بهیه آستره که خواسته بودند، همراه با وزیر مختار و سپهسالار اعظم [مشیرالدوله] به دربار وارد و قرار شد هفت هزار نفر از پیاده نظام را برای نمونه سایر افواج تعلیم دهند.» (روزنامه مریخ، ۱۲۹۶ه. ق. ش ۲: ۱). در منابع، آثاری از تربیت هفت هزار نیروی نظامی که به‌عنوان هدف، در نظر گرفته شده بود، وجود ندارد. به نظر می‌رسد که این امر در آن زمان محقق نشده و یا اثراتی از آن تحقق وعده وجود ندارد.

در شماره ۱۳ همان نشریه اشاره‌ای شده است به مدرسه نظامی «اتماژور» که یکی از اولین مدارس نظامی غیر از دارالفنون بوده

^۲ این مدرسه به سبک جدید را امیرکبیر در وهله اول برای تربیت نیروی نظامی تأسیس کرد ولی در ادامه به آموزش‌های عمومی متنوعی برای محصلان نیز پرداخته می‌شد.

^۳ منظور اینکه حساسیت‌های روس و انگلیس را تحریک نکند.

که در آن زمان وجود داشت (همان. ش ۱۳: ۲).

با استفاده از اطلاعات منابع موجود، به نظر می‌رسد که بعد از مدرسه دارالفنون، مدارس نظامی به همت شاهزادگان و دیگر شخصیت‌های درون حاکمیتی در تهران و دیگر شهرهای بزرگ (که عموماً افواج عمده در آنجا متمرکز بودند) شکل گرفت؛ که هر یک در دوره‌ای فعال بودند؛ تا زمانی که در دوره پهلوی در یک آموزشگاه نظامی متمرکز شدند.

در ذیل جدول تقریبی ترتیب تاریخی تاسیس مدارس نظام و بانیان و یا حامیان هر یک آمده است.

جدول تاریخی تاسیس مدارس نظام^۴

ردیف	نام مدرسه	محل	تاریخ تاسیس	مؤسس / حامی / مدیر
۱	دارالفنون	تهران	۱۲۶۶ (افتتاح رسمی ۱۲۶۸ ه.ق.)	امیرکبیر
۲	(مدرسه نظامی به تقلید دارالفنون)	تبریز	۱۲۷۵ ه.ق.	مظفردالدین میرزا
۳	مدرسه نظامی «اتماژوری»	تهران	[۱۲۹۶ ه.ق.]	حسین سپهسالار (مشیرالدوله) ^۵
۴	(مدرسه نظامی //)	اصفهان	۱۳۰۰ ه.ق.	مسعود میرزا ظل‌السلطان
۵	(مدرسه نظامی) (وابسته به وزارت جنگ)	تهران	۱۳۰۳ ه.ق.	کامران میرزا (نایب‌السلطنه)
۶	مدرسه نظامی ناصری	//	۱۳۰۳ - ۱۳۱۰ ق (مستند در روزنامه ایران ۱۳۱۳ ه.ق.)	کریم منتظم‌الدوله سردار مکرم ^۶
۷	مدرسه نظامی [سازمان ژاندارمری]	تهران	// //	علی امین‌الدوله ^۷ / ماژور مالتا ^۸
۸	مدرسه نظامی	کرمانشاهان	۱۳۲۰ ه.ق.	میرزا سیدجواد سرتیپ توپخانه
۹	مدرسه دیویزیون قزاق	تهران	۱۳۲۱ ه.ق.	چرنوزوف فرمانده بریگاد قزاق ^۹
۱۰	مدرسه افراد برای فرزندان قزاق‌ها	تهران	۱۳۳۰ ه.ق.	ژنرال وادبوسکی
۱۱	آموزشگاه نظامی اوچینی کامان	تهران	// //	
۱۲	آموزشگاه نظامی «کاندید افسیه»	تهران	۱۳۳۱ ه.ق.	[وستاندها] فرمانده ژاندارمری
۱۳	مدرسه صاحبمنصبان «سوزافیه»	تهران - مشهد - شیراز - اصفهان - قزوین	[همان حدود //]	فرماندهان ژاندارمری

^۴ . برگرفته از: میرحسین یکرنگیان. سیری در تاریخ ارتش ایران از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰. تهران. خجسته. ۱۳۸۴ & غلامرضا علی بابایی. تاریخ ارتش ایران از هخامنشی تا عصر پهلوی. تهران. آشیان. ۱۳۸۲ & سایت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران www.iichs.org، مقاله «آموزشگاه‌های نظامی در دوره قاجار»

^۵ . حسین مشیرالدوله (سپهسالار)، بعد از تحصیل در اروپا و در بازگشت از ایران در مناصب مختلف حکمتی (دیوانی و نظامی) مشغول به کار بود. مدتی نیز در مقام وزیر جنگ و صدراعظم ناصرالدین شاه قرار داشت. (اطلاعات بیشتر ر.ک: شرح حال رجال ایران... ج ۱. مهدی بامداد. ۱۳۷۱. زوار: ۴۰۶-۴۲۶).

^۶ . کریم خان منتظم‌الدوله سردار مکرم (سردار فیروزکوهی)، که تحصیلات نظامی خود را در مدرسه سن سیر فرانسه گذراند، در بازگشت به ایران و به دستور ناصرالدین شاه به وزارت قورخانه رسید. وی در همان دوره مدرسه نظامی ناصری را تاسیس کرد که بعدها به‌عنوان مدرسه نظامی موسوم گردید. او علاوه بر تدریس در مدرسه به ترجمه برخی کتاب‌های آموزش نظامی نیز همت گماشت. (ر.ک. شرح حال رجال ایران... ج ۳. مهدی بامداد. ۱۳۷۱. زوار: ۱۷۵-۱۷۶)

^۷ . علی امین‌الدوله (منشی حضور) که به‌واسطه شغل پدر (محمدخان سینکی، مجدالملک) در وزارت خارجه مشغول به کار شد، در طول دوره ناصرالدین شاه در مناصب مختلف حکومتی تارباست وزرایی پیش رفت. او را از رجال منوالفکر دوره قاجار معرفی کرده‌اند و اقدامات مؤثری را از او نقل می‌نمایند. (برای اطلاعات بیشتر. ر.ک: شرح حال رجال ایران... ج ۲. مهدی بامداد. ۱۳۷۱. زوار: ۳۵۴-۳۶۶)

^۸ . صاحب‌منصب ایتالیایی در خدمت قشون ایران

^۹ . فئودور گرگوریوویچ چرنوزوف، افسر ارتش روسیه که مدتی برای ساماندهی نیروی قزاق در خدمت قشون ایران بود. وی از ۱۹۰۲ م/ ۱۳۲۰ ق تا ۱۹۰۶ م/ ۱۳۲۴ ق فرمانده بریگاد قزاق و رئیس آموزش سواره‌نظام این نیرو بود.

۱۴	مدرسه نظامی احمدی/ مدرسه نظامی مشیرالدوله	تهران	۱۳۳۲ ه.ق/ ۱۲۹۳ ش	حسن مشیرالدوله (پیرنیا) ^{۱۰}
۱۵	مدرسه نظامی کرمانشاهان	کرمانشاه	۱۳۳۴ ه.ق	شوکت بیگ نایب سرهنگ
۱۶	مدرسه نظامی بندر پهلوی	بندر پهلوی (انزلی)	۱۳۰۶ ش	

هدف از ایجاد مدارس نظامی و شرایط ورود به آن

درواقع انگیزه تاسیس این مدارس همان خواست امیرکبیر، یعنی آموزش جدید به شاگردانی بود که در آینده می‌بایست به‌عنوان سرباز و صاحب‌منصب نظامی، برای دفاع و یا جنگ در برابر هجوم‌های خارجی بایستند. با اطلاعات جدول بالا و نیز اطلاعیه‌هایی که در برخی از نشریات همان دوران چاپ و منتشر شده، مشخص می‌شود که علاوه بر تهران در سایر شهرهای بزرگ و درواقع مراکز استانی (ایالتی) در سال‌های متفاوت، مدارس نظامی تاسیس شده بود (روزنامه اخبار. ۱۳۳۴ ه.ق. ش ۷: ۲).

- شرایط تحصیل در مدرسه نظام

در اعلانی که در روزنامه اخبار برای پذیرش شاگرد در مدرسه نظام در کرمانشاه آمده، داشتن سواد خواندن و نوشتن، صحت اخلاق و سلامت جسم، شرط سنی (حدود ۱۵ تا ۲۰ سال)، ذکر شده است (همان). در برخی از موارد، شروط دیگری به آنها افزوده می‌شد. درمورد ورود به مدرسه، ظاهراً سخت‌گیری تا بدان حد وجود داشت که مدرسه خود راساً نمی‌توانست شاگردی بپذیرد؛ حتی از شاگردان مدرسه دارالفنون که مراحل پذیرش خود را گذرانیده بودند. در سندی که در تاریخ ۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ خطاب به هدایت‌قلی خان ۱۱ از طرف وزارت معارف صادر شده این موضوع به‌تصریح ذکر شده است (ساکما: ۰۰۰۹-۰۱۴۴۹۰-۰۲۹۷). درواقع رعایت ضوابط پذیرش شاگرد، شرط ورود به مدرسه بود که از جانب وزارت معارف به مدیر مدرسه ابلاغ می‌شد. این مسئله، از طرفی، به وضعیت مدرسه نظام و رعایت ضوابط خاص پذیرش محصل برای آن برمی‌گردد و شاید، از منظری دیگر، نوعی اعمال حضور و نفوذ وزارت معارف در برابر وزارت جنگ برای پذیرش دانش‌آموزان مدرسه نظام بود.

- مواد درسی مدرسه نظام

در سندی که تاریخ ۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ را دارد، ضمن اعلام شرایط ورود به مدرسه نظام، که در وهله اول سواد خواندن و نوشتن بود؛ مواد درسی مکمل تحصیلات ابتدایی، از جمله: تاریخ و جغرافیای ایران و جهان، حساب (ریاضی)، و نیز صرف و نحو عربی به اضافه مواد عملی که به تحصیل نظامی شاگردان مربوط بود، به ایشان آموزش داده می‌شد. با توجه به مواد مورد اشاره به‌نظر می‌رسد که علاوه بر آموزش‌های نظامی، به سواد علمی شاگردان نیز توجه می‌شد (ساکما: ۰۰۰۴-۰۱۴۴۶۵-۰۲۹۷). در تصدیق‌نامه (تاریخ ۲۶ شهر رجب تنگوزنیل ۱۳۲۹) که مدرسه نظام برای یکی از شاگردان خودش صادر کرده و خطاب به وزارت معارف نیز هست، مواد درسی مدرسه نیز ذکر شده است.

نکته مورد توجه در این سند، خطاب نامه است که وزارت معارف بوده و این در زمانی است که مناقشه و گفتگو بین دو وزارت

^{۱۰} . حسن مشیرالدوله (پیرنیا)، تحصیلات خود را در رشته نظامی و سپس حقوق در روسیه طی نمود. در بازگشت در سمت‌های مختلف مترجمی تا وزارت در دوره‌های مختلف پیش رفت. وی در دوره احمد شاه وزیر جنگ و سپس صدراعظم ایران بود. به هنگام وزارت جنگ، مدرسه نظام را با عنوان مدرسه نظام احمدی تاسیس کرد که بعدها به‌عنوان مدرسه نظام مشیری موسوم شد. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: شرح حال رجال.. ج ۱. مهدی بامداد. ۱۳۷۱. زوار: ۳۲۳-۳۲۵).

^{۱۱} . از تحصیل‌کرده‌های دارالفنون که بعد از پایان تحصیلات در همانجا هم مشغول به کار شد.

معارف و وزارت جنگ برای اداره مدرسه نظام، که از چندی قبل آغاز شده بود، جریان داشت. در بخشی از سند که مواد درسی بدان اشاره شده چنین آمده است:

«... مواد ذیل:

فارسی - عربی - ادبیات فارسی و عربی - اخلاق - حساب - هندسه - جبر و مقابله - تاریخ عمومی و تاریخ ایران - جغرافیا - تاریخ طبیعی فیزیک شیمی - زبان فرانسه را به خوبی امتحان داده، بناء علیهذا این تصدیق نامه به ایشان داده شد. (مدرسه مبارکه نظامی)» (ساکما: ۰۰۱۲ - ۰۱۴۴۹۰ - ۲۹۷). با این شواهد مشخص است که مدرسه در قالب آموزشی خود به دروس عمومی و اختصاصی توجه داشته و تنها بخشی از وقت دانش آموزان به علوم نظامی (مشق نظام) اختصاص داده می شد.

- بودجه مدرسه نظام

بحث تعیین بودجه برای اداره مدرسه نظام یکی از مسائل مهمی بود که علیرغم اهمیت آن، اسناد و مدارک چندانی در این باره به دست نیامده است.^{۱۲} همین تعیین و اختصاص بودجه نیز از مسائل مورد اختلاف بین دو وزارت خانه معارف و جنگ بود. در حاشیه سندی متعلق به تاریخ ۱۳۲۶ ه.ق درباره اینکه بودجه مدرسه باید در ذیل وزارت معارف دیده شود؛ اشاره شده است. «[یادداشت حاشیه]: مدرسه نظامی در حقیقت بودجه ندارد، باید بودجه آن را به ترتیب حالیه مرتب کرد. انشاء الله در جزو بودجه کلیه وزارت معارف ترتیب داده شود. [امضا: مهدیقلی]» (ساکما: ۰۰۲۱ - ۰۱۴۴۹۰ - ۲۹۷).

بودجه و گرفتن و هزینه آن به یکی از موضوع های (احتمالاً دلایل و انگیزه های) مورد اختلاف دو وزارت خانه، تا زمان تحویل مدرسه به وزارت جنگ تبدیل شد.

رقابت وزارت جنگ و وزارت معارف برای اداره مدرسه نظام

در سه بخش قبل به موضوعات (شرایط تحصیل، مواد درسی و بودجه مدرسه نظام) به عنوان دلایل و اثرات رقابت و مناقشه بین دو نهاد وزارتی (معارف و جنگ) بر سر اداره مدرسه نظام اشاراتی شد. در این بخش که در واقع محور و ماحصل این بررسی است به جلوه هایی از رقابت علنی این دو نهاد و علل و نتایج آن پرداخته می شود.

همانطور که در قبل اشاره شد، بنابر مستندات موجود، مدارس نظام به تاسی از دارالفنون در ابتدا زیر نظر وزارت معارف قرار داشته و برنامه ها و معلمان آن با انتخاب آن وزارت تعیین و به کار گمارده می شدند. این قاعده در همان ابتدا از طرف وزارت جنگ پذیرفته شده و ضمن آنکه خود را محق نظارت بر مدارس نظام می دانست ولی برای اداره مدرسه با وزارت معارف همراهی می کرد. سندی که از طرف وزارت معارف در تاریخ ۲۲ ذیحجه ۱۳۲۷ صادر شده یکی از موارد این تعامل را نشان می دهد (ساکما: ۰۰۱۶ - ۰۱۴۴۹۰ - ۲۹۷).

این تعامل به تدریج جای خود را به تقابل داده و در مکاتبات متعدد بعدی که بخشی از آن به دست رسیده است؛ وزارت جنگ، مدرسه نظام را زیر مجموعه و داخل در اداره خود دانسته و وزارت معارف را از دایره نفوذ در مدارس نظام و بودجه بندی و هر نوع نظارت، خارج دانسته و درخواست خود را به انحاء مختلف و با مکاتبات به مقامات بالادستی ابراز می نماید. از اولین اسنادی که

^{۱۲} . اینکه اشاره می شود «به دست نیامده است» به این دلیل است که به نظر می رسد اسنادی در این باره وجود دارد ولی به دلایلی که یکی از مهم ترین آن، ماهیت نظامی بودن این مجموعه است؛ چندان قابل دستیابی نیست.

درباره موضوع مورد اشاره است (و تاریخ ۱۳۲۸ ه. ق را دارد)، مکاتبه ذیل است که خطاب به وزارت معارف صادر شده:

«... وزارت علوم و معارف

مدرسه نظام اصولاً باید در جزو وزارت جنگ باشد. لهذا لزوماً زحمت اظهار داده می شود مدرسه مزبور را از جزو معارف خارج فرمائید که بودجه ایت نیل آنها در جزو بودجه کل وزارت خانه جنگ خواهد شد. زیاده زحمت است.» (ساکما: ۰۰۰۲-۰۴۵۲۱۳-۲۴۰).

کشمکش و گفتگوی اصلی بین این دو وزارت خانه برای در اختیار داشتن اداره مدرسه نظام، ابتدا در مورد تعیین مواد درسی، شرط تحصیل در مدرسه، تا گرفتن بودجه بود. ولی انتخاب اجزای مدرسه از جمله مسئولان و معلمان آن هم از این موضوع برکنار نماند (ساکما: ۰۰۱۶-۰۱۴۴۹۰-۲۹۷؛ ۰۰۱۷-۰۱۴۴۹۰-۲۹۷).

بلا تکلیفی و شاید پیچیدگی نوع تعامل دو وزارت خانه معارف و جنگ، گاه باعث می شد که در مورد یک موضوع با دو وزارت (فواید عامه و معارف) مکاتبه شود؛ مثل وضعیت فرستادن چند تن از شاگردان مدرسه نظام برای تعلیم قشون که یک بار، درخواست از وزارت جنگ برای اعزام ایشان بود و جواب به وزارت فواید عامه ارسال شده بود (ساکما: ۰۰۳۰-۰۱۴۴۹۰-۲۹۷)؛ و در سند بعدی (حدود یک ماه بعد)، مکاتبه همان موضوع بین وزارت جنگ و وزارت معارف می شود (ساکما: ۰۰۲۸-۰۱۴۴۹۰-۲۹۷). به نظر می رسد وزارت جنگ از ارتباطات متفاوت برای انجام خواست های خود استفاده می کرد.

یکی دیگر از نمونه های اختلاف دو وزارت خانه، در مورد اعزام محصل به مدرسه نظامی کشور عثمانی بود (۱۳۲۸ ه. ق). ظاهراً علیرغم وجود مدرسه نظام در ایران، نیاز به تعلیم برخی از افراد در مدارس خارج نیز احساس می شد. یکی از مدارس نزدیک در همسایگی ایران، مدرسه نظام در کشور عثمانی بود که به دلیل نزدیکی و مراودات بیشتر با اروپا از فنون جدیدتری (به نسبت مدارس ایران) برای آموزش نظامی استفاده می کرد. ولی همین اعزام محصل نیز موضوع اختلاف وزارت جنگ با وزارت معارف شده بود. وزارت جنگ برحسب مختصاتی که داشت و وظایفی که بر همین اساس احساس می نمود حق دخالت در تشخیص نوع دروس مدرسه منتخب و شرایط شاگردان برای اعزام را برای خود قائل بود. سند ذیل (که بخشی از آن در ذیل آمده) تاریخ ۱۳۲۸ ه. ق را دارد و از طرف وزارت جنگ خطاب به وزارت معارف ارسال شده بود؛ شاهدی بر این مدعاست.

«... وزارت جلیله معارف

اصل پروگرام مدرسه نظامی دولت علیه عثمانی که به توسط وزارت جلیله خارجه خواسته شده و در وزارت معارف است، برای تعیین شاگردانی که باید از ایران به مدرسه نظامی اسلامبول بروند لازم است مقرر فرمائید پروگرام را به اداره ارکان حرب بفرستند که در مورد پروگرام مطالعات لازم شده برحسب حصول اطلاع گردد. و مجدداً اعاده می شود. [امضا: ناخوانا]» (ساکما: ۰۰۰۵-۰۳۸۸۷۳-۲۹۷).

نمونه سند دیگری که درباره دخالت صریح تر و قوی تر وزارت جنگ در ترتیبات و تشکیلات مدارس نظامی می باشد، سندی است که بخشی از آن در ذیل آمده است. این نامه درخواست ارسال پروگرام مدرسه نظامی است که در وزارت معارف در مورد تاسیس و تشکیلات مدرسه نظام با کمک تحصیلمکرده های مدارس خارج و صاحب منصبان، تهیه شده بود.

«... در سنه ماضیه کمیسیون مرکب از صاحب منصب های خارجه و محصلین عثمانی برای تاسیس مدرسه نظام در وزارت جلیله معارف تشکیل و ترتیباتی که لازم بوده نوشته شده است. چون وزارت جلیله جنگ در تاسیس مدرسه نظام تأکیدات لازمه فرموده و لازم است که پروگرام آن مدرسه به زودی از شورای نظامی بگذرد؛ لهذا متمنی است آنچه را که در سنه ماضیه تدوین شده است فوری

به شورای نظامی ارسال فرمائید که با نظریات و مطالعات لازمه، بعد از جرح و تعدیل، پروگرام مرتبی تهیه شود. مقصود آن کتابچه‌ای است که برای مخارج ۳۶۰ نفر شاگرد نظامی این نوشته شده است. مجدداً همان کمیسیون در وزارت جنگ منعقد شده باید به آن کتابچه مروری نموده تقدیم دارند. متمنی است تا فردا ارسال فرمایند که به موقع برسد. [امضا: منتصرالملک؟] مهر: اداره ارکان حرب ۱۳۲۸» (ساکما: ۰۰۰۴ - ۰۳۸۸۷۳ - ۲۹۷). در واقع و ماحصل این درخواست را می‌شود این‌گونه برداشت کرد؛ استفاده کردن از تجربیات وزارت معارف، برای تشکیلاتی که وزارت جنگ اختیار آن را به دست خواهد گرفت.

زمانی هم که به نظر می‌رسد قدرت وزارت جنگ برای دراختیارگرفتن مدرسه نظام بر توان و مقاومت وزارت معارف در حال غالب شدن است؛ از طرف معلمان و اجزاء مدرسه نظام مکاتبه‌ای با وزارت معارف شده و درخواست مقاومت در برابر وزارت جنگ و حفظ موقعیت مدرسه در اداره وزارت معارف را می‌نمایند. تاریخ نامه ۱۳۲۹ ه. ق است.

«... استدعای اجزاء و معلمین مدرسه مبارکه نظام آن است، هم‌چنان‌که این مدرسه مدت‌های مدید جزء وزارت جلیله معارف بوده و امورات مدرسه در تحت نظارت و ریاست وزارت علوم بوده، جمع کثیری در خدمات مرجوعه خود ساعی بودند؛ حال هم مستدعی از آن مقام منبع چنانم بذل مرحمتی فرموده مفاد نیات حضرت مستطاب اجل آقای مخبرالسلطنه را از دست نداده این مدرسه را جزء وزارت معارف فرموده که ما بیچارگان به آسودگی مشغول دعاگویی بوده باشیم.

الامر الاجل الاعلی مطاع

محمدباقر معلم شریعات - عبدالعظیم معلم فارسی - عبدالحسین معلم فارسی و عربی - [علی؟] معلم فرانسه - غلامحسین معلم ریاضی و جغرافیا - رحیم اسلحه‌دار مدرسه نظام - مصطفی» (ساکما: ۰۰۵۰ - ۰۱۴۴۹۰ - ۲۹۷).

نکته جالب توجه در این نامه تأکیدی است که بر اداره مدرسه براساس سال‌های گذشته زیر نظر وزارت معارف شده و نیز تلاش‌های مخبرالسلطنه برای رشد این مدرسه را خاطر نشان ساخته و درخواست نموده که بر همین منوال ادامه یابد. ضمناً از فحواي نامه چنین به نظر می‌رسد که امضاکنندگان نامه ضمن آن که به اداره مدرسه و سابقه آن توجه داشتند، نگران وضعیت شغلی خود نیز بودند.

از سال ۱۳۳۰ ه. ق وزارت جنگ تلاش می‌کند بعد از آنکه اداره و تکفل مدرسه نظام را از وزارت معارف گرفته، امور آنجا و نیز وسایل و ملزوماتش را نیز در اختیار بگیرد. همین امر باعث یک سلسله نامه‌نگاری‌ها برای تحویل اثاثیه متعلق به مدرسه نظام و تخلیه اتاق‌هایی که در مدرسه دارالفنون در اختیار داشت می‌شود. در نامه‌ای که به تاریخ ۲۸ ذیحجه ۱۳۳۰ از طرف «اداره مرکزی عتقجات^{۱۳}» خطاب به وزارت جنگ شده چنین آمده است که: «... سابق که مدرسه نظام جزو وزارت معارف بود، همه قسم سرپرستی از اجزاء و لوازم آن مدرسه ... می‌نمود... اکنون قریب دو سال است که مدرسه مزبوره از تحت نظارت وزارت معارف خارج و اجزاء بلا تکلیف و بی حقوق مانده‌اند...» (ساکما: ۰۰۲۶ - ۰۱۴۴۹۰ - ۲۹۷).

در پاراگراف ابتدای نامه چند نکته به نظر می‌رسد: (۱) از سال ۱۳۲۸ ه. ق اداره مدرسه نظام از وزارت معارف منفک شده؛ (۲) رفع مسئولیت (وزارت معارف) در نگهداری از لوازم و متعلقات به مدرسه نظام^{۱۴}، به استناد همان انفکاک؛ (۳) انتقاد (وزارت معارف) از وضعیت بلا تکلیفی دریافت حقوق معلمان و اجزاء مدرسه از زمان این تغییر و تحول. (۴) و نکته‌ای که در آخر نامه اشاره دارد؛ درخواست تحویل اتاق‌هایی است که مدرسه نظام در دارالفنون اشغال کرده است.

^{۱۳} . یکی از ادارات تابعه وزارت معارف

^{۱۴} . اشاره به بند بعدی نامه که حکایت از مفقود شدن تعدادی اسلحه از اتاق‌های متعلق به مدرسه که در دارالفنون وجود داشته شده است.

با اعمال قدرت و مداومت وزارت جنگ برای دراختیار گرفتن مدرسه نظام، اعلان افتتاح مدرسه در تحت مدیریت وزارت جنگ به اطلاع وزارت معارف می‌رسد. در این نامه تعیین رئیس مدرسه و تعطیلی تابستان علت تاخیر در افتتاح مدرسه ذکر شده است. ضمناً توضیح می‌دهد که حقوق اجزای مدرسه مدتی تأخیر داشته که در حال تأدیه است و تأکید دارد که اتاق‌های اشغال شده و وسایل آن در دارالفنون متعلق به مدرسه نظام است ولی با افتتاح مدرسه به آنجا منتقل خواهد شد (ساکما: ۰۰۲۳ - ۰۱۴۴۹۰ - ۲۹۷؛ ۰۰۰۲ - ۲۹۷ - ۰۴۱۲۲۶).

مناقشه دو وزارت‌خانه بر سر مدرسه نظام، حتی بعد از تحویل ظاهراً اجباری آن به وزارت جنگ و تبعات بعد که تحویل اسباب و وسایل متعلق به مدرسه و نیز اتاق‌های اشغال شده به وسیله مدرسه نظام در مدرسه دارالفنون بوده؛ مکاتبات مفصل و پیوسته‌ای را به وجود آورد که در اغلب آنها نارضایتی و عدم توافق وزارت معارف با تحویل مدرسه و از طرف دیگر تحکم وزارت جنگ بر استقرار مدرسه در جای خود (مدرسه دارالفنون) و تحویل وسایل آن به نماینده وزارت جنگ دیده می‌شود. حدود ۱۴ سند^{۱۵} در مجموعه اسناد دیده شده در آرشیو ملی به این مکاتبات اختصاص دارد که به برخی از آنها اشاره شد. یکی از آخرین تلاش‌ها برای حفظ اداره مدرسه نظام در ذیل وزارت معارف در سند ذیل قابل مشاهده است. این جوابیه در مورد اشغال اتاق‌های مدرسه دارالفنون به عنوان مدرسه نظام، مجدداً تأکید می‌کند که آن مدرسه جزئی از مدرسه دارالفنون بوده و آن هم در اداره وزارت معارف قرار دارد. («...حالیه مجدداً متذکر می‌شود که مدرسه نظام در حقیقت جزو مدرسه دارالفنون است و با این ترتیبی که در کلاس‌های مدرسه دارالفنون داده شده اطاق‌های آن را نمی‌توان موضوع نمود و به جهت مدرسه دارالفنون عسرت مکانی فراهم آورد...») (ساکما: ۰۰۰۷ - ۰۴۱۲۲۶ - ۲۹۷).

- محل مدرسه نظام

یکی از مناقشات دیگر دو وزارت بر سر محل استقرار^{۱۶} مدرسه نظام بود. سند ذیل یکی از مدارک موجود در این باره است. این سند از طرف وزارت جنگ خطاب به وزارت معارف است و تاریخ ۱۳۲۸ ه. ق را دارد یعنی مقارن تحویل اداره مدرسه نظام به وزارت جنگ.

«... درباب تعیین محل مدرسه نظامی که وزارت جنگ، باغ‌شاه را در نظر گرفته و نظرات خود را در این موضوع پیشنهاد هیئت وزراء عظام نموده بود؛ فعلاً چون زمستان و موقع بنائی گذشته است و باید هرچه زودتر اقدام در تشکیل و تاسیس مدرسه بشود؛ متمنی است قدغن فرمائید همان مدرسه نظام سابق را واگذار نمایند که عجلتاً افتتاح نماید تا بهار، یا باغ‌شاه یا محل دیگر را دولت معین کند. از طرف وزیر جنگ [با امضای منتصرالملک]» (ساکما: ۰۰۴۴ - ۰۱۴۴۹۰ - ۲۹۷).

همانگونه که اشاره شد تاریخ سند نشان از آن دارد که تعیین باغ‌شاه به عنوان محل مدرسه نظام تقریباً هم‌زمان بوده با محول شدن اداره مدرسه به وزارت جنگ. ولی ادامه مناقشه (مکاتبه) دو وزارت‌خانه در مورد محل مدرسه تا سال بعد، حاکی از آن است که وزارت معارف هم نسبت به درخواست‌های وزارت جنگ تعلل می‌کرد (ساکما: ۰۰۴۲ - ۰۱۴۴۹۰ - ۲۹۷).

در مورد زمان آغاز این مناقشه یا مقابله دو وزارت‌خانه برای اداره مدرسه نظام و چگونگی و چرایی آن، تنها مرجع بررسی، تحلیل محتوای برخی از همین اسناد آورده شده است.

فرض اولیه بر این است که متولی و اداره‌کننده مدرسه دارالفنون (همانگونه که متذکر شد به انگیزه تربیت نیروی نظامی شکل

^{۱۵} . احتمال داده می‌شود که تعداد اسناد بیشتری در این زمینه وجود دارد که متأسفانه به دست نگارنده نرسیده است.

^{۱۶} . اینکه عنوان استقرار به جای تأسیس آورده شده است به دلیل آن است که طبق اطلاعات و مدارک ذکر شده مدرسه نظام وجود داشته و قبلاً تأسیس شده است ولی در مورد محل قرار آن در طی سالیان مسائلی مطرح بوده.

گرفت) و نیز با تنظیمات و توسعه دیوانسالاری (تشکیل وزارتخانه‌ها) که از دوره ناصری به وجود آمد؛ وزارت معارف بود. و در مورد مواد درسی و شرایط پذیرش شاگرد و بقیه موارد مدیریتی آن، تابع قوانین و دستورات همان وزارت عمل می‌نمود؛ بنابراین در ذیل وزارت معارف قرار گرفته بود.

بعد از دوره احمد شاه قاجار و در واقع با قدرت گرفتن شخص سردار سپه در نقش وزیر جنگ و سپس نخست وزیر، روند مطالبه این مدرسه با استناد به وجه تربیت نیروی نظامی که در ابتدا با دخالت‌های جزئی در مسائل آن آغاز شده بود، قدرت یافته و به مناقشه و حتی مقابله بین دو نهاد وزارتی تبدیل شد. بنابراین می‌توان ادعا نمود که درخواست فرد قدرتمندی چون سردار سپه با پشتوانه وجه قالب مدرسه که نظامی بودن آن بود، انگیزه و محرک تغییر و تحویل اداره مدرسه به وزارت جنگ قرار گرفت.

نام سردار سپه در اسناد مورداشاره و استناد مقاله دیده نمی‌شود؛ ولی مطالبه و لحن گاه، تحکم‌آمیز برخی از نامه‌ها خطاب به وزارت معارف، نقش مؤثر وی را در این مطالبه به ذهن متبادر می‌سازد. ضمن این‌که برخی از این نامه‌ها به امضای وزیر جنگ ولی «از طرف» است. یعنی حضوری فعال ولی غیر مستقیم.

در بخشی از خاطرات عین السلطنه (هم‌زمان با موضوع مقاله) که درباره تعیین محل مدرسه نظام و در زمان ریاست امیرموثق^{۱۷}، که وی را نخستین رئیس مدرسه نظام در شکل جدید آن می‌توان محسوب دانست، نام سردار سپه به عنوان نقش تعیین‌کننده آورده شده است.

«... خانه سردار سپه همان جلوخان هلالی باغ امیریه است که فعلاً باغ امیریه قسمت زیادش فروخته شده؛ تتمه با عمارت عالی آن مدرسه نظام است. یکی از کارهای خوب سردار سپه احیای این باغ و عمارت بود که می‌رفت پاک منهدم شود و حالا مدرسه عالی شده است. رئیس مدرسه نظام رفیق قزوین خودمان امیرموثق است...» (سالور. ۱۳۷۹. ج ۹: ۱۲۹).

نتیجه آنکه: تاسیس مدارس نظامی یکی از گام‌های مهمی بود که برای اصلاح ساختاری- تشکیلاتی نهاد نظامی که با عنوان قشون شناخته می‌شد؛ به سمت ارتش شدن برداشته شد. در این راه از نیروهای تحصیل کرده خارج رفته و نیز فارغ‌التحصیلان دارالفنون نیز بهره گرفته شد. وزارت معارف به عنوان متولی مدرسه دارالفنون که در ابتدا با هدف تربیت نیروی نظامی تأسیس شد؛ با قدرت یافتن وزارت جنگ، به رقیبی قدرتمند برای دراختیار گرفتن مدرسه نظام برخورد نمود. مناقشاتی که برای تصدی اداره این مدرسه در طول چند سال (به‌ویژه در زمان وزارت جنگ سردار سپه) بین این دو وزارت‌خانه درگیر بود و تلاش‌های هر یک برای اداره مدرسه، موضوع مقاله حاضر است.

در تلاش‌های وزارت جنگ برای اداره مدرسه نظام، آن وزارت بر وجه نظامی بودن مدرسه تکیه داشته و آن را زیرمجموعه خود می‌دانست و وزارت معارف بر مدرسه بودن و مواد درسی آن تأکید داشته و ضمناً به سابقه آن که دراختیار وزارت متبوع خود بوده، استناد کرده و اداره مدرسه نظام را از وظایف خود می‌دانست. ولی در نهایت توان نظامی بر قدرت اداری غلبه کرده و بعد از کشمکش‌های چندی، مدرسه نظام از مجموعه وزارت معارف خارج شد.

با قدرت گرفتن سردار سپه در مقام وزیر جنگ و سپس کودتای تغییر حکومت از قاجار به پهلوی، راه رشد و توسعه و یک‌پارچگی این مدارس گشوده شد و به عنوان تشکیلاتی منظم برای حفظ حکومت، در وهله اول، و سپس دفاع از تمامیت ارضی کشور محسوب

^{۱۷} . در مورد معرفی بیشتر از محمد نخجوان (امیرموثق. ر. ک: باقر عاقلی. شرح حال رجال سیاسی نظامی معاصر ایران. ج ۳. تهران.

گردید.



دبیرستان نظام



سر تیبیا امیر موق و رئیس کل مدارس نظام گزارش نظامی بحضور اعلیحضرت رفشاهه فقید میدهد

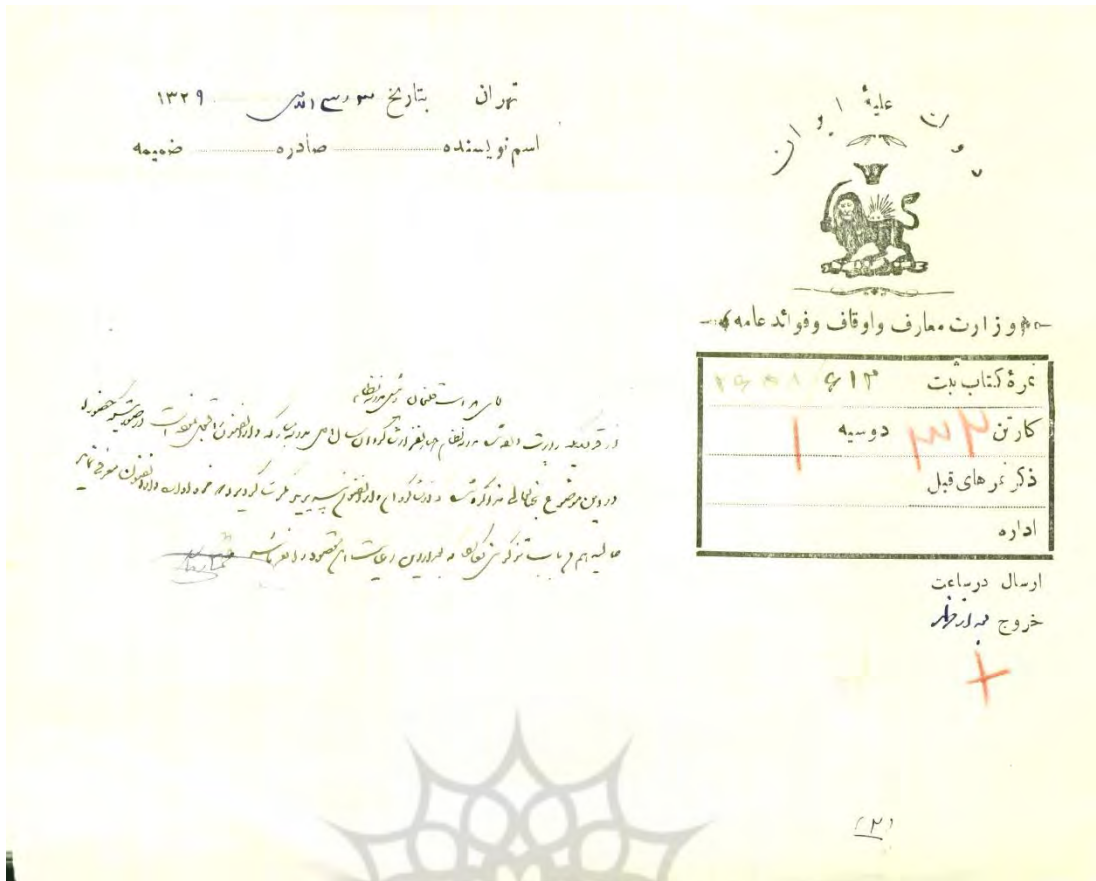
از راست ۱ امیر موق ۲ کوبل ۳ سرسکر نندی ۴ سردار بدون ۵ سرسکر ریاضی ۶ علیخان کونقی ۷ جهان کورخان
۸ سرسکر جلایر ۹ یزدان پناه ۱۰ سرسکر بطریق



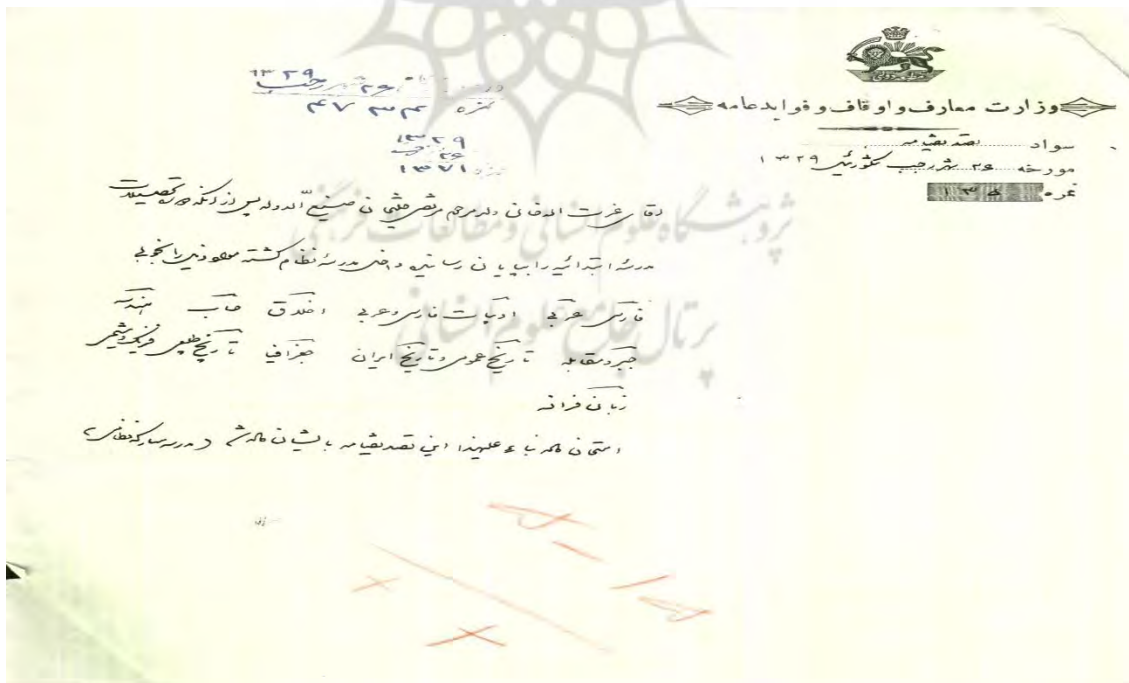
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



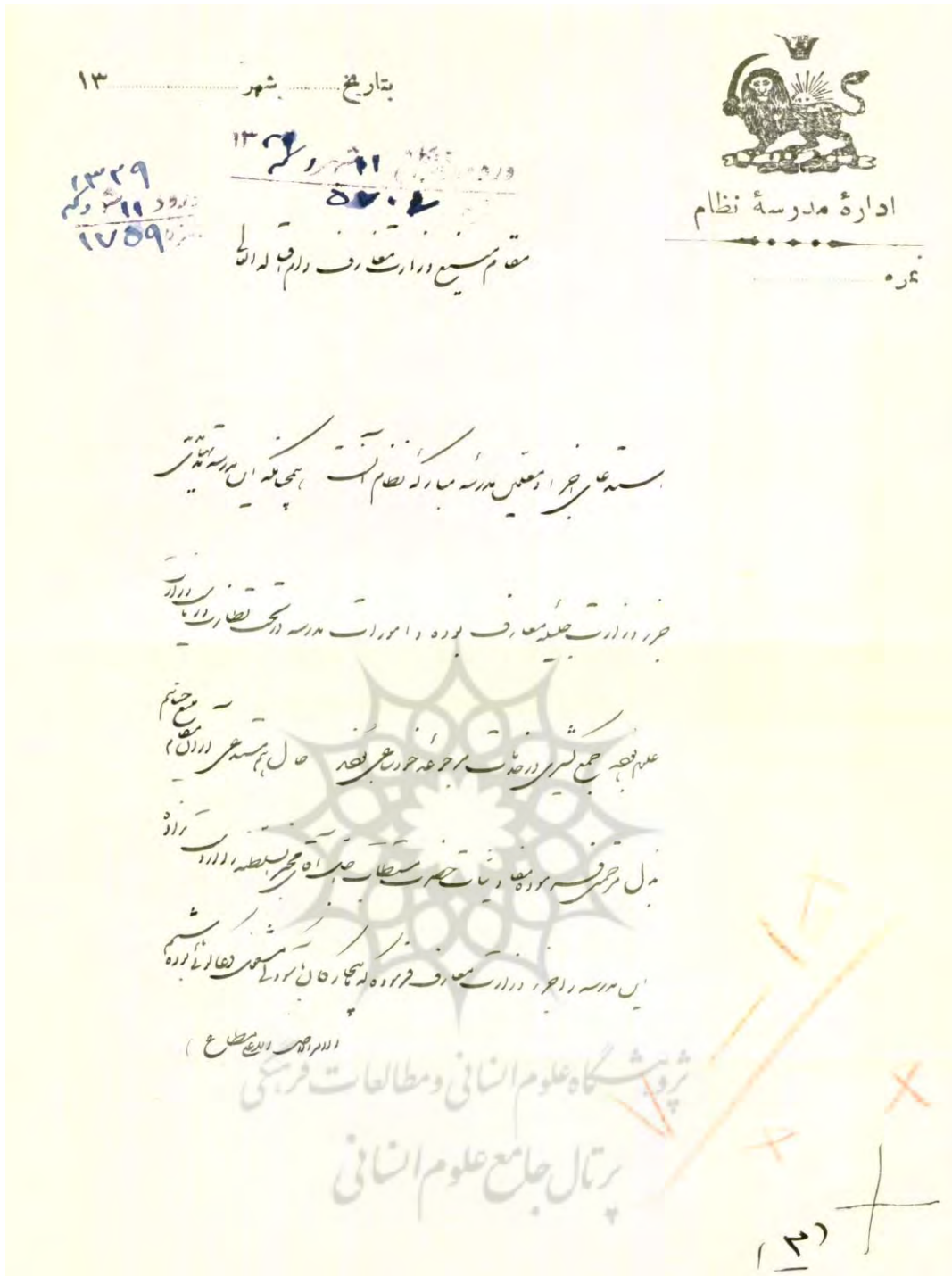
روزنامه اخبار ۱۳۳۴ ق- ش ۷: اعلان پذیرش محصل مدرسه نظام



سند شماره ۰۰۰۹-۱۴۴۹۰-۲۹۷



شماره سند ۰۰۱۲-۱۴۴۹۰-۲۹۷



شماره سند ۰۰۵۰-۱۴۴۹۰-۲۹۷

منابع
کتاب

- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۵). امیرکبیر و ایران. تهران. خوارزمی.
- سالور، مسعود و ایرج افشار. (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین السلطنه ۱۰ جلد. تهران. اساطیر؛ ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- سعیدی، حوریه. (۱۳۹۵). آموزش نظامی در دوره قاجار با تکیه بر متون خطی و سنگی. تهران. کانی مهر.

- علی بابایی، غلامرضا. (۱۳۸۲). تاریخ ارتش ایران از هخامنشی تا عصر پهلوی. تهران. آشیان.
- قوزانلو، جمیل. (۱۳۱۵). تاریخ نظامی ایران. تهران. بی‌نا.
- کرونین، استفانی. (۱۳۷۷). ارتش و حکومت پهلوی. ترجمه غلامرضا علی بابایی. تهران. خجسته.
- یکرنگیان، میرحسین. (۱۳۲۰). سیری در تاریخ ارتش ایران از آغاز تا پایان شهریور. تهران. خجسته.

منبع اینترنتی

- سایت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران www.iichs.org، مقاله «آموزشگاه‌های نظامی در دوره قاجار»

نشریات

- روزنامه اخبار. ۱۳۳۴ ه. ق. ش ۷.
- روزنامه مریخ. ۲۱ محرم ۱۲۹۶. نمره دوم.

سند

- اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما): ۲۹۷-۱۴۴۹۰-۰۰۰۰۹؛ ۲۹۷-۱۴۴۹۰-۰۰۰۰۴؛ ۲۹۷-۱۴۴۹۰-۰۰۰۱۲؛ ۲۹۷-۱۴۴۹۰-۰۰۰۲۱؛ ۲۹۷-۱۴۴۹۰-۰۰۰۱۶؛ ۲۹۷-۱۴۴۹۰-۰۰۰۰۲؛ ۲۴۰-۴۵۲۱۳-۰۰۰۰۲؛ ۲۹۷-۱۴۴۹۰-۰۰۰۳۰؛ ۲۹۷-۱۴۴۹۰-۰۰۰۲۸؛ ۲۹۷-۱۴۴۹۰-۰۰۰۰۵؛ ۲۹۷-۳۸۸۷۳-۰۰۰۰۴؛ ۲۹۷-۳۸۸۷۳-۰۰۰۰۵؛ ۲۹۷-۱۴۴۹۰-۰۰۰۲۶؛ ۲۹۷-۱۴۴۹۰-۰۰۰۵۰؛ ۲۹۷-۱۴۴۹۰-۰۰۰۲۳؛ ۲۹۷-۱۴۴۹۰-۰۰۰۰۲؛ ۲۹۷-۰۴۱۲۲۶-۰۰۰۰۲؛ ۲۹۷-۰۴۱۲۲۶-۰۰۰۰۷؛ ۲۹۷-۱۴۴۹۰-۰۰۰۴۴؛ ۲۹۷-۱۴۴۹۰-۰۰۰۴۲؛ ۲۹۷-۱۴۴۹۰-۰۰۰۰۲.

